

رویای یوسف تا حقیقت



درس اول

صبر یوسف

هدف:

امیدواری در خداوند کمک می‌کند تا
صبور باشیم.

رده سنی:

۹ - ۱۲ سال

آیه حفظی:

رومیان ۸: ۲۵

اما اگر به چیزی امیدواریم که هنوز ندیده‌ایم،
بردبارانه انتظارش را می‌کشیم.

نیتنا | سخنی با مربی

مربی عزیز در این درس نونهالان می‌آموزند که همانند یوسف با امید به خدا می‌توانند برای قولها یا رویاهایی که از خداوند دریافت می‌کنند صبر کنند. مربی عزیز در صورتی که خردسالی برای اولین بار به کلیسا آمده است، شما می‌توانید قبل از شروع تعلیم در مورد عیسی مسیح با او صحبت کنید.

نیتنا | آمادگی برای ورود به داستان : ۱۵ دقیقه

آمادگی برای ورود به داستان : (۱۵ دقیقه)

مربی عزیز از قبل چند عدد توپ پینگ پنگ و قاشق یکبار مصرف آماده کنید. این مسابقه بین دو نفر انجام می‌شود هر دو نفر قاشق را در دهان خود می‌گذارند و توپ را در قاشق قرار می‌دهند، یک مسیر با مانع درست کنید و از بچه‌ها بخواهید از بین موانع عبور کنند تا به خط پایان و مسیری که شما برایشان انتخاب کرده‌اید برسند، اگر توپ بر زمین بیفتد مسیر را برگشته از اول شروع کنند تا بتوانند امیدواری را بهتر درک کنند، بچه‌ها را تشویق کنید با امیدواری و صبر مسیر را طی کنند.

با اینکه می‌خواستید سریعتر به خط پایان برسید آهسته حرکت کردن چه حسی به شما داد؟

ما نیاز داریم برای بزرگ شدن صبر کردن را یاد بگیریم. عجله کردن باعث می‌شود که بدون فکر کردن کاری را انجام دهیم که ممکن است اشتباه باشد ولی صبر کردن به ما امید داشتن و خوب فکر کردن و خوب تصمیم گرفتن را یاد می‌دهد.

نیتنا | ورود به دنیای کتاب مقدس : ۲۰ دقیقه

مطالعه کلام پیدایش باب ۳۷

بچه‌ها همانطور که خواندیم و شنیدیم یوسف پسر یعقوب و راحیل بود و یازده برادر دیگر داشت ولی پدرش او را از همه‌ی پسرانش بیشتر دوست داشت. این موضوع باعث شد که برادران یوسف به او حسادت کنند.

یک شب یوسف خواب عجیبی دید. او خواب دید که در مزرعه (جایی که کشاورزان در آن کار می‌کنند و گیاهانی مثل برنج، گندم، ذرت و... می‌کارند) در حال جمع‌آوری خوشه‌های گندم بودند که یکدفعه خوشه‌های گندم یوسف بلندتر از خوشه‌های گندم برادرانش می‌شود و همه‌ی خوشه‌ها برایش تعظیم (زانو زدن و خم شدن) می‌کنند. وقتی صبح از خواب بیدار شد رویایی که دیده بود را برای برادرانش تعریف کرد. آنها از شنیدن حرفهای یوسف ناراحت شدند و گفتند یعنی تو پادشاه می‌شوی و ما به تو خدمت می‌کنیم؟ آنها بیشتر به او حسادت کردند.

• بچه ها حسادت کردن یعنی چی؟ چه زمان هایی ممکن است ما دچار حسادت شویم؟ چرا؟

یوسف یک شب دیگر خواب دید که یازده ستاره و ماه و خورشید به او تعظیم می کنند و باز این خواب را برای برادرانش تعریف کرد. برادرانش که خیلی حسادت کردند یک روز وقتی برادران گوسفندان را برای علف خوردن به صحرا بردند یوسف هم به خواسته پدرش به دنبال آنها رفت.

برادرانش وقتی او را دیدند از آنجایی که از دست یوسف ناراحت و عصبانی بودند او را گرفته و در چاه انداخته و بعد از مدتی به عنوان برده (برده خدمتکاری بود که در زمان قدیم انسان های ثروتمند با دادن پول خریداری می کردند تا در کارهایشان به آنان کمک کند) به مردم کشور مصر (مصر بزرگترین سرزمین آن زمان بود) فروختند و به پدرشان گفتند که یوسف را گرگ خورد.

بچه ها یوسف از دست برادرانش خیلی ناراحت و عصبانی شد ولی او خدا را دوست داشت و به او امیدوار بود، می دانست اگر صبر کند و امیدش به خدا را از دست ندهد حتما خداوند او را از چاه نجات می دهد.

• صبر کردن به چه معنا است؟

بله صبر کردن یعنی منتظر ماندن برای چیزی یا کسی. یوسف هم در آن چاه با امیدواری منتظر ماند و صبر کرد تا خدا به او کمک کند. این نقشه خدا بود که وقتی او را خریدند و به مصر بردند یک شخص دیگر به نام فوتیفار که یکی از افراد مهم مصر بود یوسف را خرید و به قصر خودش برد. همه در آن قصر یوسف را دوست داشتند. بچه ها بعد از این هم اتفاقاتی برای یوسف می افتد که در درسهای بعد متوجه می شوید ولی یوسف با صبر و امید به خداوند همه مشکلات را پشت سر می گذارد و در آخر مهمترین شخص آن کشور می شود و رویاهایی که در نوجوانی دید به حقیقت تبدیل می شود چون به خدا امیدوار بود و خدا هم به او کمک می کرد.

گفت و گو:

آیا برای شما هم اتفاق افتاده که برای بدست آوردن چیزی باید صبر می کردید؟ آیا نتیجه ای هم داشت؟

صبر کردن به معنی نه گفتن نیست، به این معنی نیست که من نیاز و درخواست شما را انجام نمی دهم.

صبر کردن یعنی امید داشتن برای کاری که قرار است در آینده انجام شود.

• امیدواری به چه معنا است؟

امیدواری یعنی باور داشته باشیم که اگر تلاش کنیم و صبر داشته باشیم، اتفاقات خوبی پیش می آید. همیشه به یاد داشته باشید که هر چقدر هم که شرایط سخت باشد، با امیدواری به خدا می توانیم به روزهای بهتر برسیم. امیدواری یک احساس خوب می باشد و یعنی باور داشتن به قول های خداوند که در کتاب مقدس به ما داده است.

مثل یوسف که بخاطر امیدی که در خداوند داشت برای بهتر شدن شرایط سخت صبر می‌کرد، چون خدا به او رویایی داده بود.

• اگر یوسف در چاه صبر نمی‌کرد و امیدش را به خدا از دست می‌داد چه اتفاقی می‌افتاد؟

اگر ناامید می‌شد ترس و نگرانی برایش به وجود می‌آمد و نمی‌توانست ادامه دهد ولی با امیدواری به خدا توانست با صبوری ادامه دهد و نتایج خوب و برکات عالی را از خداوند بگیرد.

نتیجه گیری: ۵ دقیقه

برادران یوسف به خاطر حسادت با عجله تصمیم بدی برای برادرشان گرفتند، ولی یوسف با صبر کردن و امید به خدا منتظر ماند چون می‌دانست خداوندی که یوسف را دوست دارد هیچ وقت او را تنها نمی‌گذارد و در آخر خدا او را به شخص مهمی تبدیل کرد. بچه‌ها امروز ما هم با اعتماد به خدا و امید داشتن به او صبر کردن را یاد بگیریم چون خدا ما را تنها نمی‌گذارد و برای ما فکرهای عالی دارد.

کارگاه اجرایی: ۱۵ دقیقه

لباس رنگارنگ یوسف

پدر یوسف برای او یک پیراهن زیبا و رنگارنگ گرفت و به او داد چون او را خیلی دوست داشت و یوسف در سن پیری یعقوب به دنیا آمده بود. مری عزیز شما می‌توانید مانند نمونه لباس رنگارنگ یوسف را در کلاس با همکاری بچه‌ها درست کنید. (فوم‌های رنگی، مقواهای رنگی و پولک و اکلیل و...) مری عزیز دقایقی را به همراه بچه‌ها دعا و پرستش داشته باشید.

آیه حفظی:

رومیان ۸: ۲۵

اما اگر به چیزی امیدواریم که هنوز ندیده‌ایم،
بردبارانه انتظارش را می‌کشیم.

